



بخشی از کتاب  
**رمز و راز زنانه**

اثر بتی فریدان  
بر اساس ویرایش دایان راویچ



---

بخشی از کتاب  
**رمز و راز زنانه**

**اثر بتی فریدان**  
بر اساس ویرایش دایان راویچ



**توانا**

TAVAANA

آموزشکده الکترونیکی  
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

*for civic education*

---

THE AMERICAN READER.  
Copyright © 1990, 2000 by Diane Ravitch. All rights reserved.  
Printed in the United States of America.

No part of this book may be used or reproduced in any manner  
whatsoever without written permission except in the case of brief  
quotations embodied in critical articles and reviews.  
For information address HarperCollins Publishers Inc.,  
10 East 53rd Street, New York, NY 10022.

Persian translation of the THE AMERICAN READER published by  
arrangement with HarperCollins Publishers.



آموزشکده الکترونیکی  
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative  
*for civic education*

<http://www.eciviced.org>

---

بخشی از کتاب «رمز و راز زنانه»

(The Feminine Mystique)

---

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

---

نویسنده: بتی فریدان (Betty Friedan)

---

ترجمه از نسخه ویرایش شده دایان راویچ (Diane Ravitch)

---

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

---

© E-Collaborative for Civic Education 2014

## e-collaborative for civic education

ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند. ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که پیشرو صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیر گرای و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است. ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد. سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memaradehgi

Akbar Attari



## فهرست

۹

۱۱

مقدمه دایان راویچ  
رمز و راز زنانه





## مقدمه دایان راویچ

«وقتش رسیده دست از این شعار بکشیم  
که در آمریکا چیزی برای مبارزه باقی نمانده  
و زنان همه حقوقشان را به دست آورده‌اند.»

انتشار کتاب بتی فریدان<sup>۱</sup> به نام «رمز و راز زنانه» در سال ۱۹۶۳ به شروع جنبش مدرن زنان کمک کرد. فریدان در ۱۹۲۱ در ایلینویز به دنیا آمد و در سال ۱۹۴۲ از کالج اسمیت فارغ التحصیل شد. در خاطراتش آورده است که به خاطر فشار شریک زندگی‌اش نتوانست دوره دکتری را ادامه بدهد. رمز و راز زنانه<sup>۲</sup> زمانی منتشر شد که تعداد زنانی که وارد باز کار می‌شدند رو به افزایش بود و زنان در حال ورود به مشاغل مرد-محور بودند. کتاب او بر نحوه کلی نگاه به مسائل زنان و تشکیل لابی سیاسی برای پیگیری منافع زنان تاثیر گذاشت. فریدان بنیانگذار سازمان ملی زنان بود

---

1. Betty Friedan

2. The Feminine Mystique

که هدف‌اش وارد کردن زنان به صورت کاملاً برابر در زندگی اجتماعی در آمریکا بود. قطعه زیر بخشی است از کتاب رمز و راز زنانه.

## رمز و راز زنانه

### همه‌اش همین است؟

مشکل تا سال‌ها در ذهن زنان آمریکایی مدفون و ناگفته مانده بود. زنان در میانه قرن بیستم در ایالات متحده گرفتار هیجان و نوعی حس نارضایتی و حسرت بودند، و هر زنی به تنهایی با آن دست و پنجه نرم می‌کرد. وقتی تختخواب را مرتب می‌کرد، خرید بار و بنشن را انجام می‌داد، ملافه و روبالشی‌ها را جفت می‌کرد، با بچه‌هایش ساندویچ کره بادام‌زمینی می‌خورد، راننده مدرسه‌ی بچه‌ها می‌شد، و شب کنار شوهرش دراز می‌کشید، حتی می‌ترسید از خودش این سوال را در سکوت بپرسد که: «همه‌اش همین است؟»

بیش از پانزده سال در میلیون‌ها واژه‌ای که برای زنان و درباره زنان نوشته می‌شد، در ستون روزنامه‌ها و همه کتاب‌ها و مقالاتی که متخصصان می‌نوشتند و به زنان می‌گفتند نقش‌شان در مقام مادر و همسر چیست، نشانی از این حسرت نبود. زن‌ها مدام صدای سنت و دیدگاه‌های فرویدی را می‌شنیدند مبنی بر اینکه نمی‌توانند سرنوشتی برتر از افتخار به زنانگی‌شان را آرزو کنند. متخصصان به زنان می‌گفتند که چطور «مرد»ی را به دست آورند و حفظ کنند، چطور بچه شیر بدهند و از پس آموزش توالد رفتن به بچه‌ها برآیند، چطور با رقابت بین بچه‌ها و سرکشی دوره‌ی

نوجوانی‌شان کنار بیایند، چطور ماشین ظرفشویی بخرند، نان و خوراک حلزون بپزند، چطور لباس بپوشند و زنانه‌تر رفتار کنند و ازدواج‌شان را هیجان‌انگیزتر کنند یا چطور مانع از مرگ زودهنگام شوهران و بزهدار شدن پسران‌شان شوند.

### زنانه «غیرزنانه»

زنانه یاد گرفته بودند که به زنان «روان رنجور، غیرزنانه و غمگین» که می‌خواهند شاعر یا پزشک یا رئیس شوند ترحم کنند. یاد گرفته بودند که «زنانه واقعی» دلشان شغل، تحصیلات عالی و حقوق سیاسی نمی‌خواهد، یعنی آن استقلال و فرصت‌هایی که فمینیست‌های قدیمی به دنبالش بودند. برخی زنان، آنهایی که چهل یا پنجاه و چندساله بودند، هنوز به تلخی به یاد داشتند که چطور از آن رویاها دست کشیدند، اما اغلب زنان جوان‌تر حتی دیگر به این چیزها فکر هم نمی‌کردند. هزاران متخصص زنانگی، سازگاری و بلوغ‌شان را تحسین می‌کردند. تنها کاری که باید انجام می‌دادند این بود که از جوانی زندگی‌شان را وقف شوهر پیدا کردن و بچه آوردن کنند....

بر اساس «راز و رمز زنانه»، بالاترین ارزش و یگانه تعهد برای زنان برآورده کردن زنانگی‌شان است، و اینکه بزرگ‌ترین اشتباه فرهنگ غرب در طول تاریخ کم ارزش دانستن این زنانگی بوده است. این زنانگی چنان اسرارآمیز و شهودی و نزدیک به خلقت و منشأ زندگی است که علم ساخته بشر شاید هیچ وقت قادر به شناخت آن نباشد. اما هرچقدر متفاوت و خاص باشد، به هیچ وجه از طبیعت مردان پایین‌تر نیست؛ حتی شاید از برخی جنبه‌ها برتر هم باشد. طبق این راز و رمز، ریشه همه مشکلات زنان در گذشته این است که به جای اینکه طبیعت خود را بپذیرند، به مردان حسادت می‌کرده‌اند و می‌کوشیده‌اند مثل آنها باشند. حال آنکه «طبق طبیعت» شان رضایت را فقط می‌توانند در انفعال جنسی، تسلط مردان و عشق مادرانه پیدا کنند....

### چه چیزی معضل است؟

وقتی زن انسانی با قابلیت‌های نامحدود و برابر با مردان محسوب می‌شد، هرآنچه مانع از درک کامل او از توانایی‌هایش می‌شد، معضل بود و باید برطرف می‌شد: موانع بر سر تحصیلات عالی، مشارکت سیاسی، و تبعیض و جانبداری در قانون و اخلاق. اما وقتی که فقط نقش جنسی زن مد نظر قرار می‌گیرد، موانعی که جلوی درک کامل توانایی‌هایش را می‌گیرند و تعصباتی که مانع مشارکت کامل او در دنیا می‌شوند، دیگر معضل به حساب نمی‌آیند. تنها معضلات امروز چیزهایی هستند

که ممکن است سازگاری او در نقش «خانه‌دار» را به هم بزنند. پس با این حساب، شغل، تحصیلات، علاقه سیاسی، و حتی پذیرش هوش و فردیت زنان معضل است. و سرانجام معضلی پیش می‌آید که نام ندارد: میلی تعریف نشده برای «چیزی بیش» از ظرف شستن، اتو کشیدن، و تنبیه و تحسین بچه‌ها.... اگر یک زن توانمند آمریکایی انرژی و توانش را برای مشغله‌ای معنادار استفاده نکند (که حتماً به معنای رقابت است، چون هر کار جدی‌ای همراه با رقابت است)، انرژی‌اش را به شکل نشانه‌های عصبی، یا کاری غیرسازنده، یا عشق مخرب به هدر خواهد داد.

### جایگاه انسانی

وقتش رسیده دست از این شعار بکشیم که در آمریکا چیزی برای مبارزه باقی نمانده و زنان همه حقوق‌شان را به دست آورده‌اند. احمقانه است که از دختران بخواهیم وقتی وارد حوزه‌ای تازه یا قدیمی می‌شوند، ساکت بمانند تا مردان متوجه حضور آنها نشوند. تقریباً در همه حوزه‌های حرفه‌ای، از تجارت گرفته تا هنر و علوم انسانی، با زنان مثل شهروند درجه دو رفتار می‌شود. خدمت بزرگی خواهد بود اگر به دخترانی که می‌خواهند در جامعه کار کنند بگوییم باید انتظار این تبعیض نامحسوس و آزاردهنده را داشته باشند، و بگوییم که سکوت نکنند و برایش بجنگند، و امیدوار باشند که این تبعیض از بین برود. دختران به خاطر جنسیت‌شان نباید انتظار امتیازهای ویژه داشته باشند، همچنین نباید خودشان را با تبعیض و جانبداری سازگار کنند.

زنان جوان باید یاد بگیرند که رقابت کنند، نه در جایگاه زن، که در جایگاه انسان. تا تعداد زیادی از زنان از حاشیه به متن نیایند، خود جامعه شرایط لازم برای برنامه‌ی جدید زندگی آنها را فراهم نمی‌کند.

